Pazhuheshnameh Irfan
N.26 spring and summer 2022
Pages:133- 166

Analyzing the speech acts in Hajviri's Kashfolmahjub regarding Sorel's theory

Roghieh Sadraee1[1]

Abstract: Kashfolmahjub is recognized as one the oldest and most important mystical prose texts of the 5A.D. that is why the mystical researchers have deliberated and scrutinized it from different aspects. The present research has practiced a novel approach to analyze the speech acts in a systematic pattern and the speech acts have been divided into five categories according the speech acts theory of John Rogers Sorel. In fact, speech act us considered as one of the most significant linguistic issues. Based on the speech acts, this theory is applied to analyze the speech structure of the text due to the every individual's social status. From the view point of Sorel, every person does an action while speaking and the addressee comprehend it due to the texture. The purpose of action is the speech act. More specifically, this what the speaker does at the time of speaking. The current study is based on on the descriptive-analytical method to mull over the spe3chbacts in the text of Kashfolmahjub. The results indicate that the speech acts have the most frequencies of all. Throughout the new look of Hajviri up to his era, his Sufism beliefs, which is a combination of Shari'a and the way. They are mostly presented remaking the previous and his contemporary Hadith of Quran and the mystics.

Keywords: Kashfolmahjub, speech, mystical, speech acts, Sorel ' theory

1 . .Associate professor, department of human science and Persian literature, Science and Research Islamic Azad University, Tehran, Iran.
e-mail: roghiesadraie@yahoo.com

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.52547/pje.13.26.127]

دوفصلنامه علمی، سال سیزدهم، شماره بیست‌وششم، بهار و تابستان ۱۴۰۱، صفحات ۱۶۶- ۱۳۳

بررسی کنش‌های گفتاری در *کشف المحجوب* هجویری با تکیه بر نظریه سرل

رقیه صدرایی *

چکیده: *کشف‌المحجوب* از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین متون نثرعرفانی است؛ به همین دلیل از زوایای مختلف موردتوجه محققان ادبی به‌ویژه عرفان‌پژوهان بوده است. در این مقاله، بارویکردی نو و براساس نظریهٔ کنش‌گفتاری جان راجرز سرل و طبقه‌بندی پنج‌گانه او از کنش‌های گفتاری و نمونه‌برداری سیستماتیک، پاره‌گفتارهای *کشف‌المحجوب*، تحلیل شده است. از دیدگاه سرل هر شخص هنگام سخن گفتن فعلی را انجام می‌دهد و مخاطب با توجه به بافت آن را درک می‌کند. و مقصود از فعل (کنش) گفتاری به معنای خاص آن کاری است که گوینده ضمن سخن انجام می‌دهد. این مقاله با روش توصیفی- تحلیلی کنش‌های گفتاری در متن *کشف‌المحجوب* را واکاوی می‌کند. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد کنش‌های گفتاری اظهاری بیشترین بسامد را دارد.

کلیدواژه‌ها: *کشف‌المحجوب*، گفتمان عرفانی، کنش‌های گفتاری، نظریه سرل

---

*دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران.

رایانامه: roghiesadraie@yahoo.com

مقاله علمی – پژوهشی است. دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۲/۱۶ ؛ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۳/۸

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.52547/pje.13.26.127]

مقدمه:

نظریه کنش‌گفتاری زیرمجموعه نظریه تحلیل گفتمان و تحلیل و کاربردشناسی متن است و هدف این نظریه دستیابی به لایه‌های مختلف معنا در متن است. تحلیل گفتمان نوعی مطالعه میان رشته‌ای است و ریشه در زبان‌شناسی همگانی داشته و رفته‌رفته در دیگر علوم چون روانشناسی، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، هنر و ادبیات نیز راه یافته است. اصل اساسی این نظریه گفتاری آن است که هیچ مکالمه‌ای در خلاء رخ‌نمی‌دهد. شناخت و توجه به بافت ضروری است. در تحلیل و تفسیر کنش‌های گفتاری هر متنی توجه به بسترهای اجتماعی، تاریخی و ادبی آن متن اهمیت بسیاری دارد. این دیدگاه مخالف برخی دیدگاه‌های نقدی نوین یا ساختگرایی فرانسوی است که متن را بدون در نظرگرفتن بافت گفتمانی و اجتماعی آن بررسی می‌کنند. چنین نگاهی در مطالعه متون مذهبی از اهمیت بسیاری برخورداراست (معصوم و رادمرد، ۱۳۹۴:۱۴۲). ازطرف‌دیگر، زبان‌شناسی کاربردی توانسته تاحد زیادی کاربرد زبان را در موقعیت‌های درونی و برونی متن بیابد. متون مقدس دینی ازجمله متونی است که به دلیل داشتن شرایط خاص و تقدس گوینده و متن با هر نظریه سازگار نیست. نظریه کنش‌گفتاری یکی از نظریه‌های مهم کاربردشناسی و اخیراً تحلیل گفتمان انتقادی که در دو حوزه فلسفه زبان و دین تأثیر گذاشته است (پهلوان‌نژاد و رجب‌زاده، ۳۷:۱۳۸۹). هجویری یک مسلمان واقعی و صوفی صافی بود که عمل به شریعت را در همه احوال ضروری می‌دانست و پیروان واقعی را ملزم به پیروی از کتاب و سنت و اجماع می‌کرد و سالیان دراز رنج سفر را تحمل کرد و در محضر علما و مشایخ زانوی ادب زد و به کسب علم و معرفت پرداخت و مناعت طبع و قناعت را در طول زندگی پیشه خود قرارداد و هرگز دامان خود را به طمع دنیا نیالود و عمر خود را در کسب علوم دینی نزد علما و مشایخ و ترویج دین و ارشاد سالکان سپری کرد. در این راستا آثار زیادی را به زینت طبع نگاشت. *کشف‌المحجوب* از آثار تعلیمی و نخستین کتاب درباره تصوف به زبان فارسی است. این اثر اطلاعات فراوانی درباره تصوف و موضوعات مربوط به آن در اختیار قرار می‌دهد و به عنوان یک گفتمان دینی- عرفانی به بیان رسوم طریقت، کیفیت مقامات، رموز و اشارت و سایر مراتب سیر و سلوک و آرای مشایخ تصوف می‌پردازد. این اثر که به درخواست یکی از دوستان او به نام ابوسعید هجویری تالیف شده حاوی نکات ارزنده زیادی است و دغدغه هجویری در آموزش معارف دینی و آلوده شدن صوفیان به

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.52547/pje.13.26.127]

ظواهر دنیایی را نشان می‌دهد. به همین دلیل نگارنده در این مقاله سعی کرده تا لایه‌های معنایی و محتوایی این رساله را با توجه به بافت اجتماعی و تاریخی بررسی و تحلیل نماید .

پس از دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی عمیق سدهٔ اخیر، تئوری‌های ادبی و فلسفی دچار جهت گیری‌های جدید شدند و بسیاری از فلسفه‌های جزمی و قوام‌یافته یا به آفت گروید و یا به ابطال گرفتار آمد. ظهور پسامدرنیسم و ابراز تئوری‌هایی همچون شالوده‌شکنی و ساختارگرایی و تأویل متن و ... ادبیات جهانی را دچار دگرگونی‌های شگرفی کرده است. منتقدان و اندیشمندان فلسفه هنر و ادبیات، آن را به لرزه‌نگاری مانند کرده‌اند که حتی کوچک‌ترین لرزه‌های اجتماعی را ثبت می‌کند و نیز آن را از مهم‌ترین نمایه‌های هویت هر ملتی دانسته‌اند و ارائهٔ دیدگاه‌های زیباشناختی و جامعه‌شناختی، تأثیر غیرقابل انکار بر ادبیات و به طبع آن، مخاطب عام گذاشته است (کاکه رش۱۳۸۸:۱۵۹-۱۳۱).

نظریه کنش‌گفتاری یکی ازمهم‌ترین تئوری‌های جدید و مطرح در زبان‌شناسی و تحلیل گفتمان است.

گفتمان مجموعه پیچیده‌ای از رفتارهای زبانی به هم مرتبط و پی‌درپی است که به‌صورت نمونه‌های نوشتاری، گفتمان و نشانه‌شناختی تجلی می‌یابد و به لحاظ مضمون و درون‌مایه به هم مرتبط و به انواع خاص گونه‌ها وابسته‌اند (Wodak, 2001, 66).

تحلیل‌گران گفتمان بر این باورند که گفتمان شکلی از کاربرد زبان است. به اعتقاد دومینیک منگونو هر عمل زبانی دارای یک ویژگی هدف‌داراست (Maingueneau 1996: 15). امروزه سخن‌کاوی یا همان تحلیل گفتمان تبلور و شکل‌بندی معنا و پیام واحدهای زبانی در ارتباط با عوامل درون‌زبانی و برون‌زبانی را بررسی می‌کند (لطفی پورساعدی، ۱۳۷۹:۱۰).

کنش گفتاری یکی از مباحث مهم زبان‌شناسی و مؤثر در نقد روابط اجتماعی است به‌طوری‌که با بررسی پاره‌گفتارهای یک متن می‌توان پرده از روابط اجتماعی آن اثر برداشت. این نظریه ابتدا به وسیله استین (Astin.j) ارائه شد؛ سپس شاگردش سرل (Seale.j) آن را تکمیل کرد.

کشف‌المحجوب اثری ارزنده وکم نظیر در شریعت و طریقت است که به درخواست یکی از دوستان هجویری در پاسخ به پرسش‌های او تألیف شده و به عنوان یکی از قدیمی‌ترین کتبی است

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.52547/pje.13.26.127]

که به زبان فارسی نگاشته شده است و بعدها مأخذ کتاب‌های عرفانی شده، ازجمله جامی در *نفحات‌الانس* از این کتاب تأثیر گرفته است. مباحث ارزنده این کتاب شامل اثبات علم، تصوف، مرقعه پوشیدن، اقوال کبار مشایخ، آداب و رسوم تصوف و دیگر نکات ارزنده است. هجویری همواره روش صوفیان خالص را معرفی می‌کند و آن‌ها را از آلوده شدن به ظواهر برحذر می‌دارد. هدف اصلی از نگارش این مقاله، بررسی و تحلیل لایه‌های معنائی در *کشف‌المحجوب* با توجه به موقعیت اجتماعی و تاریخی آن زمان است.

هرچندکه در متون ادب فارسی، تحلیل متون براساس نظریه فوق به‌ندرت صورت‌گرفته و اساساً تئوری جدیدی است، اما در ارتباط با موضوع مورد بررسی در این حوزه پژوهش‌هایی صورت گرفته است که به مهم‌ترین آن‌ها، اشاره می‌کنیم:

شاید قدیمی‌ترین مقاله‌ای که اشاره‌ای به فعل گفتاری داشته از احد فرامرزفراملکی باعنوان تمایز خبر ازا نشا نزد منطقیون مسلمان (۱۳۷۲) بوده که به شرح جمله‌های خبری، انشایی نزد بزرگان اهل منطق پرداخته و افعال گفتاری از دیدگاه آستین و سرل را نقد و بررسی کرده است .

محمد عموزاده، محمود رمضان‌زاده (۱۳۸۵) درمقالهٔ «کنش‌های گفتاری و اهمیت آن در تحلیل متن»، مبانی نظری کنش‌های گفتاری از دیدگاه آستین و سرل را به‌طور مختصر بررسی کرده‌اند، سپس رابطه کنش‌های گفتاری به عنوان سازوکاری قابل انعطاف برای تحلیل متن و در مقوله ادب، به راهکارهای «ملاحظه‌کاری» و «گذشت» به عنوان دو راهکار مهم برای حفظ ادب در کنش‌های گفتار اشاره کرده‌اند. این مقاله دارای فضل تقدم بر چنین مطالعاتی است .

سوسن جبری و مریم جعفری (۱۳۹۵)، با نگارش مقالهٔ «بازتاب شرایط اجتماعی در تحلیل کنش‌های گفتاریِ تفسیرِ عرفانیِ *کشف الاسرار*»، بسیار دقیق به بررسی کنش‌های گفتاری در بخش تفسیر عرفانی *کشف‌الاسرار و عده الابرار*، برپایه نظریه جان راجرز سرل و طبقه‌بندی پنج‌گانه او از کنش‌های گفتاری پرداخته‌اندو به این نتیجه رسیده‌اند که بیشترین بسامد را کنش‌های اظهاری با حدود ۵۵٪ از کل کنش‌ها دارد و تحلیل کنش‌های گفتاری، موضع پنهان میبدی را نسبت به جریان‌های فکری دورانش بازمی‌تاباند و حضور او را در گیرودار جدال میان اهل شریعت و اهل طریقت و نگرش انتقادی او و راهبرد گزیده میبدی را به جریان‌های فکری روزگارش آشکار می‌سازد .

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.52547/pje.13.26.127]

مریم جلالی و معصومه صادقی (۱۳۹۴)، مقالهٔ «کنش‌های گفتاری و ارتباط آن با جنسیت و طبقه اجتماعی در *گرشاسب‌نامه*» را نوشته و ارتباط کنش‌های گفتاری با وضعیت اجتماعی اشخاص موجود در اثر سنجیده شده و نشان داده‌اند که میان زنان و مردان در جامعهٔ معرفی شده در *گرشاسب‌نامه* نابرابری‌های جنسیتی وجوددارد.

«تحلیل خطبه پنجاه‌ویکم نهج البلاغه براساس طبقه‌بندی سرل از کنش‌گفتاری»، از مریم فضائلی و محمد نگارش (۱۳۹۰)، «تحلیل متن‌شناسانه زیارت‌نامه امام رضا(ع) برپایه نظریه کنش‌گفتاری» (۱۳۸۹) پهلوان‌نژاد و رجب‌زاده نظریه کنش‌گفتاری آستین و فهم زبان قرآن از ساجدی (۱۳۸۱)، تاحدی توانسته‌اند روشمند به تحلیل متن ازدیدگاه سرل بپردازند.

تأثیر بافت زمانی- مکانی بر تحلیل کنش‌گفتاری، مقایسه فراوانی انواع کنش‌های گفتار در سوره‌های مکی و مدنی قرآن کریم به نگارش سید محمد حسینی معصوم و عبدالله رادمرد، یکی دیگر از چنین مطالعاتی است .

این مکتوب درپی پاسخ به پرسش‌هایی است که مهم‌ترین آن‌ها به این ترتیب است:

- کنش‌های گفتاری در *کشف‌المحجوب* براساس نظریه سرل چگونه طبقه‌بندی شده است؟
- کدام یک از کنش‌های گفتاری در ک*شف‌المحجوب* بسامد بیشتری دارد؟
- علت بسامد بالای بعضی از کنش‌های گفتاری چیست؟

۱. نظریه کنش‌گفتاری

جان لانگشاو استین فیلسوف انگلیسی و چهره برجسته مکتب فلسفی زبان روزمره و بنیان‌گذار نظریه کنش-گفتاری است. نظریه استین تحلیل انواع مختلف کارهایی که با زبان می‌توانیم انجام دهیم شروع می‌شود. به‌طورکلی این نظریه به نقش‌های فعل و به دنبال آن جمله درفرایند گفتمان می‌پردازد. استین در این نظریه مطرح نمود که مقدار قابل توجهی از گفتار نوشتار ما یا عین عمل هستند و یا بخشی از عمل می‌باشند. این نوع از گفتار یا نوشتار حاوی افعالی هستند که آن‌ها را افعال کنشی می‌نامیم (آقا گل‌زاده،۱۳۹۲:۱۴۸).

استین سه سطح متفاوت از افعالی که انسان هنگام سخن گفتن انجام می‌دهد ارائه نمود:

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.52547/pje.13.26.127]

الف.کنش بیانی: اظهار عبارت‌هایی که معنا و مصداق ندارند؛

ب. کنش منظوری: گوینده از اظهارات خود مقصود خاصی دارد؛

پ. کنش تأثیری: کلام معنادار در شنونده تأثیر خاصی دارد (پایا،۱۳۸۳:۴۴).

بعدها سرل کاستی‌های این نظریه را برطرف کرد و دسته‌بندی پنج‌گانه را برای کنش‌های گفتاری ارائه نمود

کنش تعهدی، کنش عاطفی، کنش اعلامی (Searle,1999:349-369)، به‌طورکلی اظهارات، ادعاها، نتیجه‌گیری‌ها، بیانات، تأکیدات، توصیفات و ابراز حقایق و مانند این‌ها که گوینده درآن، جهان خارج را آن‌گونه باور می‌کند به تصویر می‌کشد به آن کنش اظهاری گویند (یول،۱۳۸۳:۵۳). کنش ترغیبی هم به آن دسته کنش‌های گفتاری اطلاق می‌شود که مخاطب را جهت انجام کاری ترغیب می‌کند و او را در حال تکلیف و اجبار برای انجام عملی قرار می‌دهد، گوینده سعی می‌کند کاری کند که چیزهایی انجام شود و جهان را با محتوای گزاره‌های که شامل عملی آتی شنونده است تطبیق دهد (یول۱۳۸۳:۵۴).

افعال کنشی ترغیبی شامل خواستن، توانستن، بایستن، لازم بودن، دستور دادن، دعوت کردن، اجازه دادن، سوال کردن، بازخواست کردن، اطلاعات درخواست کردن، توضیح خواستن و...است (زرقانی و اخلاقی،۱۳۹۱:۶۸). اما کنش تعهدی، آن دسته از کنش‌های گفتاری‌اند که در آن‌ها گوینده خود را ملزم به انجام کاری در آینده می‌کند؛ بنابراین بیانگر قصد گوینده از این کنش‌ها دربرگیرنده وعده‌ها، تهدیدها، سرباززدن‌ها و تعهدها است (یول،۱۳۸۳:۷۵). کنش عاطفی به‌نوعی کنش‌گفتاری است که احساسات گوینده را از جهان خارج نشان می‌دهد. این بیان شامل حالات روانی و نیز نمود احساساتی از قبیل شادی، درد، علاقه، تنفر، لذت یا غم است (یول، ۱۳۸۳:۷۴). درحالی‌که کنش اعلامی شامل کنش گفتاری است که به محض بیان آن‌ها در جهان بیرون تغییراتی واقعی ایجاد می‌شود (Searle,1999: 17). ازآنجاکه مؤثرترین این کنش‌ها وابسته به نهادهای اجتماعی و قانونی است می‌توان آن‌ها را کنش‌های نهادینه نامید. افعال کنش گفتاری اعلامی شامل: انتصاب-کردن، اعلام نمودن، اغاز کردن، پایان دادن، نام گذاردن، به‌کارگماردن، محکوم کردن، تحریک‌کردن، به عقد ازدواج درآوردن و...می‌شود.

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.52547/pje.13.26.127]

اعمالی که پاره‌گفتارها انجام می‌دهند کنش گفتاری می‌نامند (یول: ۱۳۸۳:۶۶). در نظریه کنش‌گفتاری پاره‌گفتارها به عنوان واحد تحلیل به‌کار می‌رود. کریستال می‌گوید: زبان‌شناسان در تجزیه و تحلیل کلام پاره‌گفتار را به عنوان واحد تحلیل به‌کار می‌برند (Crystal ,1985:322). از منظر کنش‌گفتاری می‌تواند یک کلمه، یک گفتمان کامل یا اثر ادبی باشد، اما اصول تحلیل یک پاره‌گفتار تک‌جمله‌ای و یک قطعه طولانی یکسان است. بنابراین می‌توان بخشی از یک متن را انتخاب و تحلیل کرد (Botha, 1991 : 295).

نظریه کنش‌گفتاری یکی از نظریه‌هایی است که در گزاره‌های دینی و عرفانی مورد توجه خاص قرارگرفته است. زیرا متون دینی در اعصار مختلف و متناسب با شرایط زمان کاربردهای خود را دارند. تصوف و عرفان اسلامی که برگرفته از علوم دینی است زبان منظوری خاص خود را دارد و بافت‌های مختلف تاریخی اجتماعی موقعیتی در تحلیل این متون اثرگذاراست. با توجه به کاربردشناسی جدید که بر مسائل مهم چون بافت و اهداف فرستنده پیام تأکید می‌کند (ترکاشوند، ۱۳۹۲: ۶۳)، در اینجا براساس اهداف تحقیق پاره‌گفتارهایی از *کشف‌المحجوب* را براساس نظریه سرل تحلیل می‌کنیم:

۲. تحلیل کنش‌های گفتاری براساس نظریه سرل

پیش از پرداختن به متن، ذکر این نکته حائز اهمیت است که بررسی و تحلیل کل پاره‌گفتارهای این کتاب از مجال این پژوهش خارج است؛ بنابراین به صورت گزینشی و اهم آن‌ها را نقد و بررسی می‌کنیم.

کتاب با حمد در ستایش خداوند شروع می‌شود و بعد پیامبر و اصحاب او را مخاطب قرار می‌دهد. «الحمدلله الذی کشف لاولیائه بواطن ملکوته و قشع لاصفیائه سرایر جبروته...» (هجویری،۱۳۷۶:۱) .

هجویری در آغاز سخن، به‌صراحت بیان می‌کند که خداوند اسرار و پرده‌های غیبی را برای اولیا و برگزیدگان و عاشقانه خود می‌گشاید و با براعت استهلال هدف از نوشتن کتاب و محتوای آن را برای مخاطبان بیان می‌کند. (کشف و پرده‌برداری از باطن ملکوت برای اولیا و اسرار جبروت برای اصفیا...). با توجه به اعتقاد و ایمان مولّف تصریح در بیان هدف پاره‌گفتار اظهاری است.

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.52547/pje.13.26.127]

طریق استخارت سپردم: (هجویری،۱۳۹۳:۱). واژه استخارهٔ یعنی طلب خیرکردن بیانگر کنش‌ترغیبی است زیرا هجویری از خداوند درخواست اتمام این رساله به بهترین وجه ممکن را دارد. مرسوم است که عالمان دینی و بزرگان برای تحیت و تبرک هر نوشتاری را با حمد و ستایش خداوند شروع می‌کردند.

استدعای تو، پاره‌گفتارهای ترغیبی: مولّف کتاب را به درخواست دوستش ابوسعید هجویری نگارش می‌کند .

اسعدک‌الله: خداوند تو را سعادت دهد: جمله دعایی درخواست سعادت و نیکبختی برای دوستش ابوسعید هجویری؛ فعل جمله درخواستی است بنابراین پاره‌گفتار ترغیبی است.

«قیام کردم بر تمام کردن مراد تو از این کتاب و عزمی تمام کردم» (هجویری،۱۳۷۶:۱). در این عبارت هجویری می‌گوید: عزمم را جزم و ارادەام را تمام کردم و متعهد شدم که درخواست تو را عملی کنم؛ بنابراین کنش‌گفتاری از نوع تعهدی است.

من این کتاب را *کشف‌المحجوب* نام کردم (هجویری،۱۳۷۶:۱). *کشف‌المحجوب* یعنی پرده از نقاب حقیقت برداشتن. هجویری اذعان می‌دارد که نام این کتاب را *کشف‌المحجوب* نهادم تا حجاب‌هایی که مانع رسیدن به معرفت و کمال است کنار بزنم و حقایق را برای سالک طریقت آشکار سازم. در این عبارت گوینده درصدد انجام فعلی است که کنش گفتاری اظهاری است.

«بالله العونوالتوفیق»: در این عبارت هجویری امور را به خداوند تفویض می‌کند و از او یاری و توفیق می‌طلبد. پاره‌گفتار ترغیبی است. با توجه به اینکه در آغاز سخن می‌گوید: استخاره کردم و اغراضی که به نفس کس بازمی‌گشت از دل ستردم و به حکم تو قیام کردم. اکنون امور را به خداوند واگذار می‌کند. هجویری برای انسان موحد دو ویژگی اصلی قائل است. با استناد به قول التوحید دون الجبر و فوق القدر. موحد جبری قول و قدری فعل است تا روش وی اندر میانه جبر و اختیار به روش متعادل برسد و موحد محسوب شود. با توجه به اظهار عقیده‌اش پاره‌گفتار کنش‌اظهاری دارد (هجویری،۱۳۷۶:۱).

«فصل»: پاره‌گفتاری است که بارها در *کشف‌المحجوب* تکرار شده است و بیانگر آغاز مطلب و شرح و تفسیر است همان‌طور که بیان شد شرح و تفسیر دال بر کنش‌اظهاری است.

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.52547/pje.13.26.127]

عبارت‌های دعایی مانند صلعم، رضی الله عنه، رح، تاب‌الله، عم، رض، لحاالله، قواک‌الله و...از پاره‌گفتارهای دعایی است ودر *کشف‌المحجوب* بسامد بالایی دارد و کنش گفتاری ترغیبی است.

«آنچه به ابتدای کتاب به نام خود اثبات کردم مراد از این دو چیز است یکی نصیب خاص و دیگر نصیب عام (هجویری،۱۳۷۶:۱). «که چون جهله کتابی نو ببینند که نام مصنف آن به چند جایی برآن مثبت نباشد نسبت آن کتاب به خود کنند و آنچه نصیب خاص بود آن است که چون کتابی ببینند و دانند که مؤلف در آن فن و علم عالم بوده است و محقق، رعایت حقوق آن بهتر کنند و بر خواندن آن و یاد گرفتن بجدتر باشند» (هجویری،۱۳۷۶:۲).

مؤلف علت آوردن نام خود را در آغاز کتاب شرح داده است: یکی به دلیل اینکه عوام کتاب را به نام خود ثبت نکنند و خاص هم رعایت حقوق آن را بهتر نمایند. هجویری نام خود را در چندین جای ثبت کرده است؛ بیان هدف از افعال کنش اظهاری است.

«یکی دیوان شعرم بود کسی بخواست و باز گرفت و اصل نسخه جز آن نبود آن جمله را بگردانید، نام من از سر آن بیفکند و رنج مرا ضایع کرد (هجویری،۱۳۷۶:۲). پاره‌گفتار کنش عاطفی است. مؤلف احساس و حالت درونی خود را بیان می‌کند و شکایت خود را از از عملکرد شخص مورد نظر بیان می‌کند.

«خواص بر او خندیدندی»: بیان احساس درونی است. بنابراین پاره‌گفتار کنش عاطفی دارد.

«والله اعلم باالصواب»: خداوند به کار درست عالم‌تر است. بیان واقعیت دال بر کنش‌اظهاری است.

«و آنچه گفتم طریق استخارهٔ سپردم مراد از آن حفظ آداب خداوند خود که مر پیغمبر خود را صلعم و متابعان وی را فرمود فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» (هجویری،۱۳۷۶:۲).

هجویری در این پاره‌گفتار عبارت استخارة سپردم را توضیح می‌دهد. مراد از استخاره رعایت آداب خداوند است که پیامبر فرمود هنگامه قرائت قرآن از شر شیطان و وسوسه‌های او به خداوند پناه می‌برم. رعایت ادب در نزد عرفا بسیار ارزشمند است؛ چنانچه مولوی در *مثنوی* می‌گوید:

از خدا جوییم توفیق ادب　　بی‌ادب محروم ماند از لطف رب

(مثنوی،۱۳۷۹ د۱: بیت۷۸)

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.52547/pje.13.26.127]

نکتهٔ حائز اهمیت این است که هجویری همواره از قول پیامبر صلوات الله و آرا و اقوال مشایخ تصوف برای تبیین و مستدل کردن پاره‌گفتارهای خود بهره می‌گیرد. بنابراین این پاره‌گفتار شرح و تفسیر و دلیل آوردن است که کنش گفتاری‌اظهاری است.

«صلاح بندگان خداوند بهتر داند و خیر و شری که به بنده رسد مقدر است جز تسلیم چه روی باشد مر قضا را» (هجویری،۳:۱۳۷۶) و یاری خواستن از وی (هجویری،۲:۱۳۷۶). هجویری در این پاره‌گفتار درصدد تبیین عقیده اشعری است. اشاعره معتقدند خیر و شر امور بنده در دست خداوند است و بنده تنها کاسب عمل است. خیر و شر آدمی مقدر است جز تسلیم دربرابر قضا گزیری نیست. تبیین کردن دال بر کنش گفتاری اظهاری است و یاری خواستن بنده از خداوند کنش گفتار ترغیبی است.

«یکی از مدعیان رکیکه که کرای گفتار او ندارد» (هجویری،۲:۱۳۷۶). این پاره‌گفتار احساس گوینده را نسبت به رقیبان و حاسدان بیان می‌کند؛ بنابراین عبارت کنش عاطفی دارد.

«پس باید که بنده در همه اشغال بدو استخاره کند تا باشد که خداوند تعالی وی را از خطر و خلل و آفت آن نگاه دارد» (هجویری،۳:۱۳۷۶). *کشف‌المحجوب* اولین و قدیمی‌ترین کتاب تصوف به زبان فارسی و اثری تعلیمی است و هدف مؤلف آموزش مریدان و راهیان تصوف است. در این پاره‌گفتار تشویق به انجام امور خیر از کنش‌گفتارهای ترغیبی است .

«اندر هرکاری که غرض نفسانی اندر آید برکت از آن برخیزد و دل از طریق مستقیم به محل اعوجاج و مشغولی اندر افتد» (هجویری، ۳:۱۳۷۶). هجویری در این پاره‌گفتار به این موضوع می‌پردازد که هوای نفس برکت را از زندگی آدمی می‌برد و او را گرفتار دل‌مشغولی و اعوجاج می‌کند. با توجه به تبیین موضوع برای شاگردان و مریدان کنش گفتاری اظهاری است.

«در دوزخ را کلید به جزحصول مراد نفس نیست» (هجویری،۳:۱۳۷۶). هجویری به‌عنوان یک عالم دینی و صوفی صافی نتیجه پیروی از هوای نفس را آتش دوزخ می‌داند. نتیجه‌گیری دال بر کنش اظهاری است.

«لا محاله بر من واجب شد حق سوال تو گذاردن» (هجویری،۳:۱۳۷۶). پاره‌گفتار تعهدی است. هجویری در این عبارت خود را متعهد به انجام عهد و پیمان با دوستش ابوسعید می‌داند.

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.52547/pje.13.26.127]

هجویری یک صوفی متشرع و پایبند به سنت الهی است. وفای به عهد در منابع دینی بارها تأکید شده است. در آیه: «الَّذِینَ یُوفُونَ بِعَهْدِ اللّهِ وَ لا یَنْقُضُونَ الْمِیثاقَ» (رعد:۲۰). (کسانی که به عهد خدا وفا می‌کنند و خود پیمان نمی‌شکنند).

«قصد بنده چون در ابتدای عمل وی به نیت مقرون بود اگر چه وی را اندران عمل خلل پدیدار آید بنده بدان معذور می‌باشد و از آن باشد که پیغمبر(صلعم) گفت نِیَّةُ الْمُؤْمِنِ خَیْرٌ مِنْ عَمَلِهِ » (هجویری،۱۳۷۶:۴). هجویری در این پاره‌گفتار بیان می‌کند که اگر بنده‌ای عمل خود را با نیت شروع کند اگرچه در کارش خلل پدیدآید بنده مقصر نیست و معذور است. فعل شرط دال بر کنش گفتاری ترغیبی است. در آموزه‌های دینی همواره به اخلاص در عمل تأکید شده حدیث معروف «الْأَعْمالُ بِالنِّیّات» گواه است.

هجویری شاگردان و رهروان طریقت را به نیت کردن در ابتدای هر عملی تشویق می‌کند و برای حقانیت توصیه‌هایش همواره از اقوال و آرای بزرگان دین و مشایخ تصوف شاهد می‌آورد. دراین پاره‌گفتار قول پیامبر صلوات الله که فرمودند نیت کردن به ابتدا عمل بهتر از ابتدا کردن عمل بی‌نیت است.

«آنچه گفتم این کتاب را کشف*المحجوب* نام کردم. مراد آن بود که تا نام کتاب ناطق باشد بر آنچه در کتاب است» (هجویری،۱۳۷۶:۴). هجویری در این پاره‌گفتار صداقت در گفتار و عمل را بیان می‌کند (هجویری،۱۳۷۶:۴). بیان صداقت از افعال کنش گفتاری اظهاری است. نویسنده قصد و مرادش از نوشتن این کتاب معرفت‌شناسی صوفیه از خداوند و هستی، تعیین اولویت‌ها در طی مقامات و منازل، اهم آموزه‌های معرفتی و سلوکی و مهم‌تر از آن بازتاب افعال روحانی آن‌ها در سیر و عوالم جهان و کشف حجاب و شهودهای صوفیانه است. پس نام کتاب ناطق منظور نویسنده است. در ادامه می‌گوید: «به حقیقت کشف، هلاک محجوب باشد همچنان که حجاب، هلاک مکاشف» (هجویری،۱۳۷۶:۴). در ادامه به صراحت می‌گوید: «چون این کتاب اندر بیان راه حق بود و شرح کلمات وکشف حجب بشریت جز این نام وی رااندر خور نبود» (هجویری،۱۳۷۶:۴).

«اما حجاب دو است یکی حجاب رینی و این هرگز برنخیزد و یکی حجاب غینی که زود برخیزد». هجویری دراین پاره‌گفتار انواع حجاب‌های طریقت را شرح می‌دهد. حجاب‌ها را به دو

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.52547/pje.13.26.127]

دسته رینی و غینی تقسیم می‌کند و هرکدام را شرح و تفسیر می‌نماید. فعل شرح دادن دال بر کنش‌گفتاری اظهاری است .

«نعوذبالله من ذلک»: (هجویری،۱۳۷۶:۵). پناه می‌برم به خداوند از هر دو حجاب رینی وغینی، پاره‌گفتار دعایی و کنش‌گفتار ترغیبی است.

کشف‌المحجوب کتاب تعلیمی صوفیه است. هجویری به تشریح انواع حجاب‌ها می‌پردازد و در ادامه می‌گوید «رین ازجمله وطناتست و غین ازجمله خطرات. وطن پایدار بود و خطر طاری» (هجویری،۱۳۷۶:۵). در این پاره‌گفتار نیز به تشریح حجاب‌ها می‌پردازد. پس پاره‌گفتار اظهاری است.

«چنانچه از سنگ آسیاب آیینه نتوان کرد اگرچه صقالان بسیار مجتمع گردند و بازآیینه چون زنگ گیرد به مصقله صافی شود» (هجویری،۱۳۷۶:۵). هجویری بارها در این اثر تعلیمی تمثیل‌های زیبایی می‌آورد تا موضوع مورد نظر را تفهیم کند. پاره‌گفتار کنش گفتاری اظهاری است.

«من این کتاب را ساختم که صقال دل‌ها بود که اندر حجاب غبن گرفتار باشد و مایه نور حق اندر دلشان موجود باشد تا به برکت این کتاب حجاب برخیزد» (هجویری،۱۳۷۶:۶). هجویری نام کتاب خود را *کشف‌المحجوب* نهاد و قصد او از نگارش اثر رفع حجب از دل سالک و مرید است؛ بنابراین پاره‌گفتارکنش اظهاری دارد.

«بیان کن مرا آن در تحقیق طریقت تصوف و کیفیت مقامات ایشان و چگونگی محبت خداوند و کیفیت اظهار آن بر دل‌ها (هجویری،۱۳۷۶:۵). و سبب حجاب عقول» (هجویری،۱۳۷۶:۷). فعل پاره‌گفتار درخواست است و درخواست کردن از افعال ترغیبی است؛ بنابراین کنش‌گفتار ترغیبی است.

«بدان که اندرین زمانه ما این علم به حقیقت مندرس گشته است خاصه اندرین دیار که خلق جمله مشغول هوا گشته‌اند و معرض از طریق رضا و علمائ روزگار و مدعیان وقت را از این طریقت صورت برخلاف اصل آن بسته است» (هجویری،۱۳۷۶:۷). هجویری در این عبارت اوضاع جامعه و صوفیان متظاهر را بیان می‌کند. عرفان همچون پدیده‌های دیگر اجتماعی تحت تأثیر تحولات اجتماعی، نمودهای گوناگونی یافته است. گاه در اوضاع اجتماعی و اعتقادی ناسالم و بیمارگونه، سیری قهقرایی و رو به ابتذال پیداکرده و گاه در فضای سالم‌تر روندی ناب و روحانی داشته است. در تصوف اسلامی، همین وضعیت متحول باعث ظهور دغدغه‌هایی در برخی عرفا و

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.52547/pje.13.26.127]

صوفیه نامدار شده است. بنابراین هجویری به قصد اصلاح طریقت تصوف و عرفان و زدودن آلایش‌ها و تهمت‌ها از دامن آن گوشزد می‌کند و به نقد کسانی که تصوف را روشی برای امرار معاش و گذراندن زندگی خود قرار داده‌اند، می‌پردازد. در این پاره‌گفتار علاوه‌بر نقد، فحوای کلام دغدغه و تأسف هجویری را نشان می‌دهد. بنابراین کنش‌گفتار اظهاری و عاطفی است.

«پس بیازید همت به چیزی که دست اهل زمانه را باسرها از آن کوتاه است به‌جز خواص حضرت حق» (هجویری،۷:۱۳۷۶). هجویری بعد از انتقاد از تصوف مبتذل در جامعه توصیه می‌کند که به معارف واقعی الهی و معاملات حقیقی چنگ بزنید. آنچه دست مردم اهل زمانه از آن کوتاه است و فقط خواص حضرت حق به آن راه دارند. توصیه از افعالی است که پاره‌گفتار ترغیبی می‌سازد.

«خاص و عام خلق ازآن به عبارت بسندکرده‌اند و حجاب آن را بجان خریدار گشته‌اند و کار از تحقیق به تقلید افتاده و تحقیق روی از روزگار ایشان پوشیده و عوام بدان پسند کرده گویند که ما حق را همی‌شناسیم و خواص بدان خرسند شده که اندر دل تمنی یابند و اندر نفس هاجمی و اندر صورت میل بدان سرا از سر مشغولی گویند» (هجویری،۷:۱۳۷۶). هجویری در این عبارت انتقاد از اوضاع جامعه می‌کند (هجویری،۵:۱۳۷۶). «تصوف حقیقی رنگ باخته خاص و عام به عبارت و ظواهر بسنده کرده‌اند و حجاب عبارات تصوف حقیقی را به تقلید صرف تبدیل کرده و حقیقت تصوف بر مردم پوشیده شده وعوام تنها به ظاهر راضی گشته و خواص مردم نیز آرزوهای دل و وسوسه‌های ظاهری را شوق و اشتیاق می‌نامند» (هجویری،۵:۱۳۷۶). پاره‌گفتار نقد اوضاع جامعه و فعل نقد دال بر کنش گفتاری اظهاری است.

«اما آنچه گفتم مقصودت معلوم شد و سخن اندر غرضت مقسوم» (هجویری،۷:۱۳۷۶). اظهارات و ادعاها کنش گفتاری اظهاری‌اند.

هجویری برای تفهیم اصول طریقت و مستدل‌کردن گفتار خود از آرا و اقوال مشایخ و بزرگان و گاه از تمثیل بهره گرفته است. همان‌گونه که مولوی عارف قرن هفتم اشارات و رموز عرفانی را در قالب تمثیل و حکایت‌ها بیان کرده است. در بیان اینکه هر کس به اندازه ظرفیت خود از معارف الهی بهره می‌گیرد و داروی هر درد متناسب با آن درد است و اگر علم طریقت وکتب مشایخ به دست نااهلان بیفتد؛ حکایت باز ملک که بر دیوار پیرزن می‌نشیند و پیرزن پروبالش را

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.52547/pje.13.26.127]

برمی‌چیند. «**لامحاله** چون باز ملک بر دیوار سرای پیرزن نشیند پر و بالش ببرند» (هجویری،۱۳۷۶:۸). آوردن شاهد مثال برای بیان موضوع کنش گفتار اظهاری است.

«خداوند ما را اندر زمانه‌ای پدیدآورده است که اهل آن هوا را شریعت نام کرده‌اند و طلب جاه و ریاست و تکبر را عز و علم و ریا خلق را خشیت و نهان داشتن کینه را اندر دل حلم و مجادله را مناظره ...» (هجویری،۱۳۷۶:۵).؛ کنش گفتاری این پاره‌گفتار اظهاری عاطفی است. هجویری در نقد اهل زمانه می‌گوید مردم زمانه هوای نفس را شریعت و جاه و مقام را عزت می‌دانند و به‌طور ضمنی شکایت از مردم روزگار دارد.

> *پس خداوند، تعالی این عالم را محل حجاب بداشته است تا طبایع هر یک در عالم، خود را به فرمان وی طمانینت یافته‌اند و به وجود خود از توحید محجوب گشته و ارواح اندر عالم بمزاج وی مشغول گشته و به مقارنه از محل اخلاص پوشیده گشته تا آدمی در مظلمه غفلت به هستی خود محجوب گشته و در محل خصوصیت به حجاب خود معیوب گشته* (هجویری،۱۳۷۶:۹).

هجویری در این پاره‌گفتار آفرینش و مراتب وجودی، انسان را شرح و تفسیر می‌کند. عالم محل حجاب انسان‌ها است و طبایع حجاب توحیدند و ارواح در این عالم دنیایی می‌شوند و با مقارنه و هم‌نشینی با این عالم از اخلاص و قرب الهی دور مانده‌اند و عقول از ادراک اسرار الهی محجور مانده‌اند و اسرار و رموز از ارواح پوشیده شده و وجود آدمی حجاب او شده است. شرح و تفسیر دلالت بر کنش‌های اظهاری دارد و به دنبال آن برای استناد به گفته‌هایش از قول پیامبر(ص) بهره می‌گیرد که می‌فرمایند: «**خلق الله الخلق فی ظلمه ثم القی علیه نورا**» (هجویری،۱۳۷۶:۱۰). خداوند انسان را در ظلمت آفرید سپس بر او نورافشانی کرد. مستند کردن دال بر کنش گفتاری اظهاری است.

«اکنون من ابتدا کنم و مقصود تو را اندر مقامات و حجب پیدا کنم و به بیانی لطیف آن را مبسوط کنم» (هجویری،۱۳۷۶:۵). کنش گفتاری تعهدی عاطفی است. مؤلف ضمن تعهددادن به نگارش کتاب شیوایی و بلاغت را منظور دارد.

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.52547/pje.13.26.127]

«بدان که علم بسیار است و عمر کوتاه و آموختن جمله علوم بر مردم فریضه نه چون علم تب و نجوم از این علوم هریک بدان مقدارکی به شریعت تعلق دارد» (هجویری،۱۳۷۶:۱۱). واژه بدان به معنی آگاه باش برای تنبیه و هشدار به‌کار می‌رود. پس پاره‌گفتار ترغیبی است.

«و باید که علم مقرون عمل باشد» (هجویری،۱۳۷۶:۱۱). پاره‌گفتارکنش ترغیبی است. زیرا واژه باید دال بر ضرورت انجام عملی است.

«آدمی از مظلمه غفلت به هستی خود محجوب گشته» (هجویری،۱۳۷۶:۹).کنش گفتار اظهاری عاطفی بیان ویژگی‌های انسان و تاسف به جایگاه او در دنیا است.

«و از عوام گروهی دیدم که علم بر عمل فضل نهادند وگروهی عمل بر علم و این هر دو باطل است» (هجویری،۱۳۷۶:۱۳). کنش گفتاری اظهاری توصیف مردم زمانه و رد عقاید آن‌ها.

«و گروهی از ملحده که متعلق بدین طریق دارند گویند که علم ما به هیچ درست نیاید پس ترک علم ما را تمام‌تر از اثبات آن باشد» (هجویری،۱۳۷۶:۱۷). هجویری اذعان می‌دارد که گروهی از ملحدان و مخالفان تصوف بر این عقیده‌اند که علم ما به‌هیچ‌وجه درست نیست. پس ترک علم برای ما بهتراست. عبارت بیان عقیده سوفسطائیان درباره علم تصوف و مخالفت با آرای آن‌ها است که فعل بیان کردن کنش‌گفتاری اظهاری است.

در رد نظر ملحدان چنین می‌گوید: «و این از حمق و ضلالت جهالت ایشان بود که ترک علم از دو بیرون نباشد: یا به علمی بود یا به جهلی. پس علم مر علم را نفی نکند وضد نیابد و به علم ترک علم محال باشد، ماند اینجا جهل، و چون درست شد که نفی علم جهل باشد و ترک آن به جهل بود و جاهل مذموم باشد و جهل قرینه کفر، باطل باشد که حق را به جهل تعلق باشد» (هجویری،۱۳۹۳:۱۴). عبارت اثبات عقیدهٔ تصوف و رد سفسطهٔ منکران علم عرفان است؛ پس کنش گفتاری اظهاری است .

«اما این جمله از نتیجهٔ فتور زمانه است و آفت‌هایی که پدیدار آمده است و خداوند تعالی پیوسته اولیای خود را اندر میان قومی مستور داشته است و آن قوم را از جهت ایشان اندر میان خلق مهجور داشته» (هجویری،۱۳۹۳:۱۸). هجویری دراین پاره‌گفتار به نقد منتسبان علم که کلاه رعونت را عزت می‌دانند و پیروی از هوای نفس را سنت، این‌ها نتیجه فتور زمانه و آفت‌هایی است که در پی

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.52547/pje.13.26.127]

دارد که خداوند اولیای خود را از اهل زمانه‌ای که انکار می‌کنند پنهان می‌دارد. که اشاره به حدیث قدسی: اولیایی *تحتَ* قِبابی **لا** یَعرِفُهُم غَیری دارد.

و هرکه از علم توحید به عبارت بسنده کند و از اضدادان روی نگرداند زندیق شود (هجویری،۱۳۹۳:۱۵). کنش گفتاری اظهاری است و عبارت اثبات توحید است.

«اما علمای غافل آنان که دنیا را قبله خودگردانیده‌اند و از شرع آسانی اختیار کرده و پرستش سلاطین را بر دست گرفته و درگاه ایشان را طواف گاه خود قرارداده‌اند» (هجویری،۱۳۹۳:۲۰). هجویری در این پاره‌گفتار با نگاهی تأسف‌بار به نقد علمای ظاهر و صوفیان ناخالص می‌پردازد. بنابراین کنش گفتاری اظهاری عاطفی است.

دربارهٔ فقرا می‌گوید:

اما فقرای مداهنین آنان باشند که چون فعل کسی بر موافقت هواء وی باشد اگرچه باطل بود بر آن فعل وی را مدح کنند و چون بر مخالفت هواء ایشان کارکنند اگرچه حق بود بدان ذم کنند وی را (هجویری،۱۳۹۳:۲۰).

پاره‌گفتار به نقد فقرای چاپلوس و فرصت‌طلب می‌پردازد؛ پس کنش گفتاری اظهاری است .

«اما متصوف جاهل آن بود که صحبت پیری نکرده باشد و از او ادب نیافته و گوشمال زمانه نکشیده و به نابینایی کبودی اندر پوشیده است» (هجویری،۱۳۹۳:۲۰). هجویری بعد از نقد علمای غافل و فقرای مداهنین ویژگی‌های تصوف جاهلان را بیان می‌کند. بیان ویژگی‌ها از کنش‌های گفتاری اظهاری است.

و سرانجام در پاره‌گفتار ترغیبی مرید را از صحبت آن‌ها برحذر می‌دارد. «مرید را از صحبت ایشان اعراض فرمود» (هجویری،۱۳۹۳:۲۰).

درادامه به کنش گفتاری دیگر پاره‌گفتارهای *کشف‌المحجوب* به‌طور خلاصه و در جدول و فهرست‌وار اشاره می‌کنیم:

ردیف	پاره‌گفتار	نوع کنش‌گفتاری	توضیحات
۱	ما امور جمله به خداوند تعالی‌تسلیم‌کردیم تا در بار ضلالت خود همی‌باشند.	اظهاری	بیان‌کردن یا توصیف حال

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.52547/pje.13.26.127]

ردیف	پاره‌گفتار	نوع کنش‌گفتاری	توضیحات
۲	چرا باید که همگنان را بر ایشان قیاس گیرند و اندر معاملت ایشان مکابره عیان بر دست گیرند و قدر ایشان در زیر پای آرند؟	ترغیبی	سوا ل‌کردن
۳	خداوند تعالی مر فقر را مرتبتی و درجتی بزرگ داده است و مر فقرا را بدان مخصوص‌گردانیده	اظهاری	بیان‌کردن
۴	تا به ترک اسباب ظاهری و باطنی گفته‌اند. پس زندگانی دوستان حق به الطاف خفی و اسرار بهی‌است با حق	اظهاری	نتیجه‌گیری
۵	گوییم: این شرکت اندر اسم است نه در معنی	اظهاری	اذعان‌کردن
۶	که شرکت معنی را مماثلت باید	ترغیبی	لازم بودن
۷	چون صفات وی قدیم است و از آن خلق محدث، این دلیل باطل بود.	اظهاری	دلیل‌آوردن
۸	و من همی‌گویم که علی‌بن‌عثمان‌الجلابی	اظهاری	اذعان کردن
۹	گوییم: بر نعمت شکر فرمود و شکر را علت زیادت نعمت‌گردانید.	اظهاری	تبیین کردن
۱۰	و بر فقر صبر فرمود و صبر را علت زیادت قربت گردانید.	اظهاری	تبیین‌کردن

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.52547/pje.13.26.127]

ردیف	پاره‌گفتار	نوع کنش‌گفتاری	توضیحات
۱۱	من که علی‌بن‌عثمان‌جلابی‌ام وفقنی‌الله چنین‌گویم	اظهاری	اذعان کردن
۱۲	که: چون درست‌شد که‌غنای بر حقیقت بر بقای صفت درست نیاید‌که بقای صفت محل علت بود به دلایل‌مذکور و موجب آفت و فنای صفت خود غنا نباشد؛ ازیرا که هرچه به‌خود باقی نباشد آن را نامی ننهند.	اظهاری	علت آوردن
۱۳	اینجا لطیفه‌ای عجیب است.	عاطفی	تعجب کردن
۱۴	گوییم‌که: اندر تحقیق محبت، عذر بیگانگی باشد و عتاب مخالفت.	اظهاری	شرح دادن
۱۵	و دوستان اندر محلی باشند که این هردو اندر احوال ایشان آفت نماید. آن را که نامش از حق فقر است، اگرچه امیر است، فقر است.	اظهاری	تفسیر کردن
۱۶	چون طالب بترک ملکیت بگفت، شرکت از میان برخاست و از هر دو اسم فارغ شد.	اظهاری	تفسیرکردن
۱۷	این‌معنی‌سخت غامض و لطیف است به نزدیک اهل این معنی.	اظهاری- عاطفی	بیان‌کردن و احساس پیچیدگی‌و لطافت
۱۸	ای شما که درویشانید، شما را به خداوند	ترغیبی	اخطار دادن

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.52547/pje.13.26.127]

ردیف	پاره‌گفتار	نوع کنش‌گفتاری	توضیحات
	شما شناسند و از برای وی را کرامت کنند.		
۱۹	بنگرید تا اندر خلأ با وی چگونه می‌باشید.	ترغیبی	هشدار دادن
۲۰	یعنی چون خلق شما را درویش خوانند، حق شما را بگذاردند.	اظهاری	دلیل‌آوردن
۲۱	شما حق طریقت درویشی چگونه خواهید گذارد؟	ترغیبی	سوال‌کردن
۲۲	و فی‌الجمله درویش در کل معانی فقر عاریت است و اندر کل اسباب اصل بیگانه.	اظهاری	بیان کردن
۲۳	و دیدم گروهی را از مدعیان ارباب‌اللسان که نفی کمالشان از ادراک این قصه، می نفی وجود نمود.	اظهاری	ادعا کردن
۲۴	و این خود سخت عزیز است.	عاطفی	بیان احساس
۲۵	و دیدم‌که نفی مرادشان از حقیقت فقر می‌نفی صفت نمود اندر عین فقر	اظهاری	ادعا کردن
۲۶	و دیدم که نفی طلب حق و حقیقت را می‌فقر و صفوت خوانند.	اظهاری	ادعا کردن
۲۷	و دیدم که اثبات هواشان می‌نفی کل	اظهاری	ادعا کردن

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.52547/pje.13.26.127]

ردیف	پاره‌گفتار	نوع کنش‌گفتاری	توضیحات
	نمود.		
۲۸	و هرکس اندر درجتی از حجت فقر اندر مانده بودند؛ از آنچه پندار این حدیث مرد را علامت کمال و ولایت بود و بوی نهمت این حدیث غایةالغایات. به‌عین این تولا کردن محل کمال است.	اظهاری	ادعا کردن
۲۹	پس طالب این قصه را چاره نیست از راه ایشان رفتن و مقاماتشان سپردن و عبارت ایشان بدانستن.	ترغیبی	لازم دانستن
۳۰	و این جمله آن را گفتم تا راه این معانی بسپری و به رعایت حق آن مشغول باشی	ترغیبی	دستور دادن
۳۱	و اندر این زمانه بیشترین خلق را خداوند عزّ وجل از این قصه و اهل این محجوب گردانیده است و لطیفه این قصه بر دل‌های ایشان بپوشانیده.	اظهاری	بیان کردن
۳۲	همه صحابه به رفتن پیغمر علیه‌السّلام به حضرت معلا و مکان شکسته‌دل گشته بودند.	عاطفی	بیان اندوه
۳۳	و گفتم که صفا ضدکدر بود و کدر از صفات بشر بود و بحقیقت صوفی بود آن	اظهاری-عاطفی	بیان‌کردن و توصیف احساس‌درونی

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.52547/pje.13.26.127]

ردیف	پاره‌گفتار	نوع کنش‌گفتاری	توضیحات
	که او را از کدرگذر بود.		
۳۴	پس صوفی آن بود که از خود فانی بود و به حق باقی از قبضهٔ طبایع رسته و به حقیقت پیوسته.	اظهاری	نتیجه‌گیری
۳۵	و متصوف آن که به مجاهدت این درجه را می‌طلبد و اندر طلب خود را در معاملت ایشان درست همی‌کند و مستصوّف آن که از برای مَنال و جاه و حظ دنیا خود را مانند ایشان‌کرده باشد.	اظهاری	نتیجه‌گیری
۳۶	و چون عوامل اندر اهل زمانه نگریستند و مر مترسمان متصوّفه را بدیدند و بر پای کوفتن و سرود گفتن و به درگاه سلطانیان رفتن و از برای لقمه و خرقه خصومات کردن ایشان مشرف شدند، اعتقاد بجمله بد کردند و گفتند که: اصل این طریق همین است.	اظهاری	بیان کردن
۳۷	بدان که اهل طریقت‌ها تباه شوند اما اصل طریقت‌ها تباه نشود و گروهی هزل که هزل خود را اندر حد احرار پنهان کنند، جد ایشان هزل نشود.	ترغیبی	هشدار دادن

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.52547/pje.13.26.127]

ردیف	پاره‌گفتار	نوع کنش‌گفتاری	توضیحات
۳۸	بدان که لبس مرقعه شعار متصوّفه است؛ و لبس مرقعات سنت است.	ترغیبی	هشدار دادن
۳۹	واگر اکنون برخی از اهل زمانه را مراد اندر لبس مرقعات و خرق، جاه و جمال خلق است و یا به دل موافق ظاهر نیستند و روا باشد.	اظهاری	بیان کردن
۴۰	که اندر لشکر مبارز یکی باشد و در جملهٔ طوایف محقق اندک باشد. پس بر تو بادا که هرچه از آن تو نگردد قصد آن نکنی.	ترغیبی	توصیه کردن
۴۱	که اگر هزار سال تو به قبول طریقت بگویی چنان نباشد که یک لحظه طریقت تو را قبول کند؛ که این کار به خرقه نیست به خُرقه است.	اظهاری	تاکید کردن
۴۲	در جمله مرقعه زینت اولیای خدای عزّ و جلّ است. عوام بدان عزیز گردند و خواص اندر آن ذلیل شوند.	اظهاری	شرح‌دادن
۴۳	عزّ عامه آن بودکه چون بپوشند خلقانش بدان حرمت دارند و ذل خاص آن بود که چون آن بپوشند خلق اندر ایشان به چشم عوام نگرند و مر ایشان را بدان ملامت-	اظهاری	تفسیرکردن

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.52547/pje.13.26.127]

ردیف	پاره‌گفتار	نوع کنش‌گفتاری	توضیحات
	کنند.		
۴۴	اما بایدکه باطنت طلب تحقیق‌کند و از رسول معرض باشد.	ترغیبی	ضرورت داشتن
۴۵	و من که علی‌بن‌عثمان‌الجلابی‌ام وفقنی‌الله از شیخ‌المشایخ، ابوالقاسم کرکانی‌رضی‌الله عنه در طوس پرسیدم که: «درویش را کمترین چه چیز باید تا اسم فقر را سزاوار گردد؟».	ترغیبی	سوال کردن
۴۶	گفتم: پارهٔ راست آن بود که به فقر دو زند نه به زینت	اظهاری	اذعان کردن
۴۷	چون رقعه اگر به فقر دوزی اگر ناراست دوزی راست بود؛ و سخن راست شنیدن آن بود که به حال شنود و نه به مُنیت.	اظهاری	تفسیرکردن
۴۸	من که علی‌بن‌عثمان‌الجلابی‌ام وفقنی‌الله این طریق را پسندیده‌ام و اندر اسفار خود همین کرده‌ام.	اظهاری	ادعاکردن
۴۹	نفس آدمی معتاد است و با عادات مر آن را الفتی بود و چون چیزی وی را عادت شد، چون طبیعتی شود؛ و چون طبع شد حجاب گردد.	اظهاری	شرح‌دادن

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.52547/pje.13.26.127]

ردیف	پاره‌گفتار	نوع کنش‌گفتاری	توضیحات
۵۰	اما معنی آن که بیشترین جامه‌های ایشان چرا کبود باشد: یکی آن است که اصل طریقت ایشان بر سیاحت و سفر نهاده‌اند و جامهٔ سفید اندر سفر بر حال خود نماند و شستن وی دشوار باشد وهر کسی بدان طمع کند؛ و دیگر آن که کبود پوشیدن شعار اصحاب فوات و مصیبات است و جامهٔ اندوهگنان.	اظهاری	شرح دادن
۵۱	لباسی که سبب پوشیدن آن قرب خداوند بود و بر موافقت اولیای خدای تعالی پوشیده باشند مداومت بر آن مبارک بود.	اظهاری-عاطفی	بیان‌کردن و توصیف حال خود
۵۲	اگر به حق آن زندگانی توانی کرد؛ و اگر نه دین خود را صیانت باید کرد و اندر جامهٔ اولیا خیانت روا نباشد.	ترغیبی	بایستن
۵۳	که مسلمانی برتحقیق باشی بی دعوی بهتر از آن که ولی برتکذیب.	اظهاری	شرح دادن
۵۴	اما آن پوشنده که مرید را مرقعه پوشد باید که مستقیم‌الحال بود.	ترغیبی	بایستن
۵۵	که ازجمله فراز و نشیب طریقت گذشته باشد و ذوق احوال چشیده و مشرب عمال	ترغیبی	بایستن

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.52547/pje.13.26.127]

ردیف	پاره‌گفتار	نوع کنش‌گفتاری	توضیحات
	یافته و قهر جلال و لطف جمال دیده و باید که بر حال مرید خود مشرف باشد.		
۵۶	شرط مرقعه، پوشیدن کفن بود که امید از لذت حیات منقطع کنند و دل از راحت زندگانی پاک‌گردانند.	ترغیبی	شرط‌گذاشتن
۵۷	و مراد از این کتاب ما را نقل گفته‌ها نیست؛ که کشف مغلط‌هاست از مراد این طریقت	اظهاری	اذعان کردن
۵۸	اشارتی‌کردم بدان مقدارکه این لطیفه فرو نشد و به جایگاه این حکم را تفصیل‌دهم؛ ان شاءالله عزّ و جلّ.	تعهدی	تعهد دادن
۵۹	درجمله چون کسی را آن معنی حاصل بود و مر آن را قبلهٔ دل خود گردانیده باشد، اگر او را فقر خوانند یاصوفی، هر دو نام اضطراری باشد مر آن معنی را که اندر تحت اسم نیاید. این است فرق میان فقر و صفوت معنوی.	اظهاری	تفسیرکردن
۶۰	اما صفوت و فقر معاملتی از روی تجرید دنیا و تخلی دست از آن، آن خود چیزی دیگر است و حقیقت آن به فقر و مسکنت	اظهاری	شرح‌دادن

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.52547/pje.13.26.127]

ردیف	پاره‌گفتار	نوع کنش‌گفتاری	توضیحات
	بازگردد.		
۶۱	مر ملامت را اندر خلوص محبت تأثیری عظیم است و مشربی تمام و اهل حق مخصوص‌اند به ملامت خلق ازجملهٔ عالم.	اظهاری	شرح دادن
۶۲	اصل عُجب از دو چیز خیزد: یکی از جاه خلق و مدح ایشان و آن که کردار بنده خلق را پسند افتد بر وی مدح‌کنند، وی بدان معجب شود و دیگر کردار کسی مر آن کس را پسند افتد و خود را شایسته داند، بدان معجب شود.	اظهاری	تفسیرکردن
۶۳	و می‌گویند که اندر آن زمانه مر ملامت را فعلی می‌بایست مستنکر و پدیدآمدن به چیزی به خلاف عادت.	اظهاری	ادعا کردن
۶۴	بدان که مذهب ملامت را اندر این طریقت آن شیخ زمانهٔ خود، حمدون قصار، نشرکرده است و وی را اندر حقیقت ملامت لطایف بسیار است.	ترغیبی	دعوت کردن
۶۵	اندر حقیقت دوستی هیچ چیز خوش‌تر از ملامت نیست؛ خود را به مراد خود رسیده دیدی؟	ترغیبی	تشویق کردن

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.52547/pje.13.26.127]

ردیف	پاره‌گفتار	نوع کنش‌گفتاری	توضیحات
۶۶	بدان جَبَرک الله که اندر زمانهٔ ما گروهی‌اند که طاقت حمل ریاضت ندارند و بی ریاضت ریاست طلب کنند.	ترغیبی	هشدار دادن
۶۷	وهمه اهل این قصه را چون خود پندارند. این قول از ایشان محال باشد؛ از آنچه خداوند تعالی هرگز زمین را بی‌حجت ندارد و هرگز این امت را بی ولی.	اظهاری	تأکید
۶۸	اما بدان که کتاب و سنت به ذکر رضا ناطق است و امت بر آن مجتمع‌اند.	ترغیبی	تشویق کردن
۶۹	و رضا بر دو گونه باشد: یکی رضای خداوند از بنده و دیگر رضای بنده از خداوند.	اظهاری	شرح دادن
۷۰	پس رضای خداوند تعالی مقدم است بر رضای بنده؛ که تا توفیق وی جل‌جلاله نباشد، بنده مر حکم ورا گردن ننهد و بر مراد وی تعالی و تقدس اقامت نکند.	اظهاری	نتیجه‌گیری
۷۱	و باز آنکه به دنیا از وی راضی شود، وی اندر هلاک و خُسران بود و آن رضای وی بجمله نیران بود.	اظهاری	شرح دادن
۷۲	و باز آنکه به بلا از وی راضی باشد،آن	اظهاری	شرح‌دادن

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.52547/pje.13.26.127]

ردیف	پاره‌گفتار	نوع کنش‌گفتاری	توضیحات
	بودکه اندر بلا مُبلی بیند و مشقت آن به مشاهدت مُبلی بتوان کشید.		
۷۳	و رنج آن به مسرت مشاهدت دوست به رنج ندارد.	اظهاری-عاطفی	بیان و توصیف حالت درونی
۷۴	و باز آنکه به اصطفای وی راضی باشد،آن محبان وی‌اند که اندر رضا و سخط هستی ایشان عاریت بود.	اظهاری	بیان
۷۵	پس رضا به غیر، خسران بود و رضا بدو رضوان.	اظهاری	نتیجه‌گیری
۷۶	روا نباشد که از مقام خود اندرگذرد بی از آنکه حق آن بگذارد.	اظهاری	بیان کردن
۷۷	پس مقام عبارت بود از راه طالب و قدمگاه وی اندر محل اجتهاد و در جهت وی به مقدار اکتسابش اندر حضرت حق تعالی	اظهاری	نتیجه‌گیری
۷۸	و حال عبارت بود از فضل خداوند تعالی و لطف وی به دل بنده بی‌تعلق مجهادت وی.	اظهاری	شرح دادن
۷۹	از آنچه مقام از جملهٔ اعمال بود و حال از جملهٔ افضال و مقام از جملهٔ مکاسب و	اظهاری	شرح دادن

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-12]

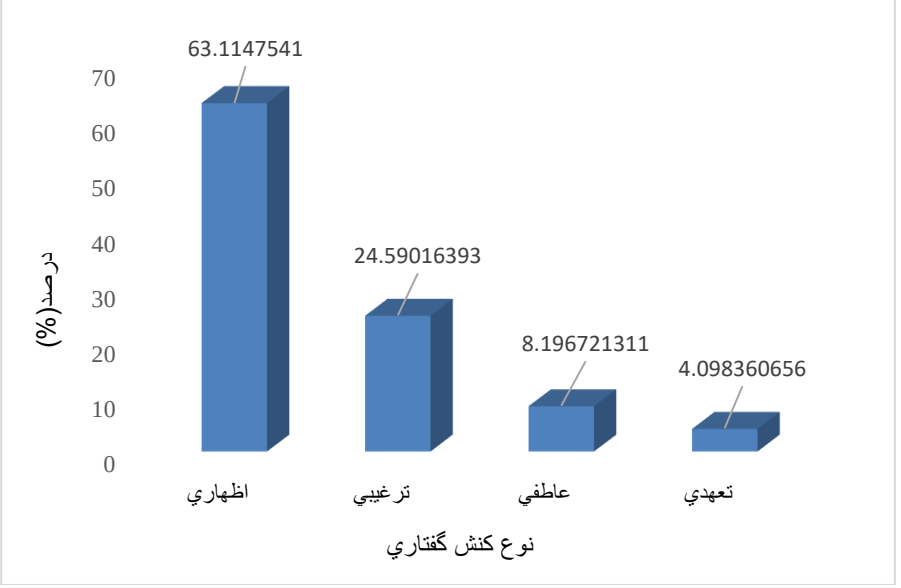
[DOI: 10.52547/pje.13.26.127]

ردیف	پاره‌گفتار	نوع کنش‌گفتاری	توضیحات
	مقام از جملهٔ مواهب.		
۸۰	بدان اعزّک الله که: سکر و غلبه عبارتی است که ارباب معانی کرده‌اند از غلبهٔ محبت حق تعالی.	اظهاری	شرح دادن
۸۱	و صحو عبارتی از حصول مراد	اظهاری	شرح دادن
۸۲	قانون مذهبش تفضیل تصوّف باشد بر فقر و معاملاتش موافق جنید باشد. حقیقت ایثار آن بود که اندر صحبت، حق صاحب نگاه دارد و نصیب خود اندر نصیب وی فروگذارد و رنج بر خود نهد.	اظهاری	شرح دادن
۸۳	مراد اینجا ایثار است و آن بر دو گونه باشد: یکی در صحبت، چنین که ذکرش گذشت و دیگر اندر محبت.	اظهاری	شرح دادن
۸۴	اثر شادی، اندر حال بیماری اندر روی وی.	عاطفی	بیان شادی
۸۵	هر یک را بساطی بگسترانم تا طالب را علم آن حاصل شود و علما را سلاح بود و مریدان را صلاح و محبان را فلاح و عقلا را نَجاح.	اظهاری	شرح دادن
۸۶	و مقدمان هم بر این رفته‌اند؛ و معلوم	اظهاری	شرح دادن

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.52547/pje.13.26.127]

ردیف	پاره‌گفتار	نوع کنش گفتاری	توضیحات
	نگردانیده‌اند که زمانهٔ فطرت است و روزگار بلا، لامحاله چون حرص مر سلطان را به جور افکند و طمع مر عالم را به فسق و ریا مر زاهد را به نفاق هر آینه هوی نیز مر صوفی را به پای کوفتن و سرود گفتن افکند.		



نمودار مقایسه فراوانی کنش‌های مختلف گفتاری در *کشف‌المحجوب*

نتیجه:

۱. باتوجه به پرسش اول مبنی‌بر اینکه: متن *کشف‌المحجوب* هجویری به عنوان یک گفتمان براساس نظریه کنش‌های گفتاری سرل چگونه مورد بررسی و تحلیل قرارمی‌گیرد؟ بایدگفت کاربردشناسی زبان و نظریه کنش‌گفتاری در معناشناسی و گفتمان زبانی در *کشف‌المحجوب*، به

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-12]
[DOI: 10.52547/pje.13.26.127]

عنوان یک گفتمان دینی عرفانی چشم‌اندازهای نوی را در اختیار ما قرار می‌دهد. در این نظریه پاره‌گفتار به عنوان واحد تحلیل به‌شمار می‌آید. پاره‌گفتار می‌تواند عبارت‌هایی چند، یک عبارت یا یک واژه باشد. تحلیل پاره‌گفتارهای *کشف‌المحجوب* براساس طبقه‌بندی سرل یافته‌های ذیل را دارد.

۲. در رابطه با پرسش دوم مبنی بر اینکه بسامد کدام یک از کنش‌های گفتاری در متن مورد نظر بیشتر است؟ می‌توان گفت: بیشترین بسامد در این گفتمان مذهبی- عرفانی کنش‌گفتاری اظهاری با ۶۳٪ است. دومین کنشی که از بسامد بالاتری برخوردار است. کنش ترغیبی با ۲۴٪ از پاره کنش عاطفی با ۸٪ و چهارمین کنش گفتاری تعهدی با ۴٪ است و پنجمین کنش‌گفتاری اعلامی-اجرائی کمترین بسامد را به خود اختصاص داده است. اما در مورد پاره‌گفتارهای اعلامی چون نمونه‌های بارزی در متن مشا هده نشد از آوردن آن در نمودار خودداری کردیم .

۳. در رابطه با پرسش سوم پژوهش که دلایل بسامد بالا یا پایین کنش‌های گفتاری در متن *کشف‌المحجوب* چیست باید گفت نکته حائز اهمیت در کنش‌گفتارهای *کشف‌المحجوب* این است که این اثر به عنوان یک منبع تعلیمی حاوی اصول شریعت و طریقت ازجمله شرح و تفسیرحجب و کیفیت مقامات و رموز و اشارات و چگونگی محبت خداوند و کیفیت اظهارآن بر دل‌ها و سبب حجاب عقول و آرامش روح با صفوت از مباحثی است که هجویری به آن پرداخته است. بنابراین کنش‌گفتاری اظهاری با هدف هجویری متناسب است.

درخصوص دیگر کنش‌ها ازآنجاکه هجویری یک مسلمان واقعی و صوفی صافی که عمل به شریعت را در همه احوال ضروری می‌دانست و پیروان طریقت را ملزم به پیروی از کتاب، سنت و اجماع می‌کرد. پس برای تربیت و ارشاد سالکان این راه کنش‌گفتاری ترغیبی با هدف او متناسب‌تر است. اما برای کنش عاطفی، باید اذعان کرد که هجویری تأسف متصوفان جاهل و سرزنش عالمان ریاکار و حزن و اندوه و تحسر بر اوضاع جامعه و فقرای مداهنین را در پاره‌گفتارهای عاطفی بیان کرده است. این نوع کنش گفتاری از نظر بسامد سومین میزان را دارد.

کنش‌های تعهدی: در چندین جای *کشف المحجوب*، هجویری خود را متعهد به تألیف کتاب و پاسخ به سوالات دوستش ابوسعید می‌کند.

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.52547/pje.13.26.127]

کنش گفتاری اعلامی: کمترین بسامد را دارد؛ زیرا هجویری یکی از مشایخ زمان خود بوده و سمت اجرائی نداشته است. شاید بتوان بعضی از احکام و فتواهای او را کنش اعلامی به حساب آورد.

کتاب‌نامه:

- آقا گل زاده، فردوس. (۱۳۹۲)، *فرهنگ توصیفی تحلیل گفتمان و کاربردشناسی*، تهران: علمی.
- پایا، علی. (۱۳۸۳)، *فلسفه تحلیل، مسائل و چشم‌اندازها*، چاپ دوم، تهران: طرح نو.
- پهلوان‌نژاد، محمدرضا و مهدی رجب‌زاده. (۱۳۹۸)، «تحلیل متن‌شناسی زیارتنامه حضرت امام رضا(ع) برپایه نظریه کنش گفتاری»، *مجله ذهن*، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، دوره ۱۱، شماره ۴۳، پاییز و زمستان، صفحات ۵۴-۳۷.
- ترکاشوند، فرشید. (تابستان۱۳۹۲)، «تبادل بافتی در ترجمه از عربی به فارسی (با رویکرد کاربردشناسی)»، *مجله پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات فارسی*، دانشگاه علامه طباطبایی، دوره ۳، شماره ۷، صفحات ۷۸-۵۹.
- حسینی معصوم، سید محمد و عبدالله رادمرد. (۱۳۹۴)، «تأثیر بافت زبانی – مکانی بر تحلیل کنش گفتاری با مقایسه فراوانی انواع کنش گفتاری در سوره های مکی و مدنی قرآن کریم»، *ماهنامه جستارهای زبانی*، دوره ۶، شماره ۳، (چاپی ۳۴)، صفحات ۹۲-۶۵.
- زرقانی، سید علی و الهام اخلاقی. (۱۳۹۱)، «تحلیل ژانر شطح براساس نظریه کنش گفتاری»، *فصلنامه علمی – پژوهشی ادبیات عرفانی*، شماره ۶، صفحات ۸۰-۶۱.
- ساجدی، ابوالفضل. (۱۳۸۱)، «نظریه کنش گفتاری جان آستین و فهم زبان قرآن» *مجله قبات*، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، شماره ۲۶،صفحات ۱۳۰-۱۲۲.
- عبداللهی، علی. (تابستان ۱۳۸۴) «نظریه افعال گفتاری»، *مجله پژوهش های فلسفی – کلامی*، دانشگاه قم، شماره ۲۴، صفحات ۱۱۹-۹۱.
- کاکه‌رش، فرهاد. (۱۳۸۸)، «نشانه‌شناسی دریدا در غزلیات مولانا با تأکید بر ساختارشکنی»، *فصلنامه عرفان اسلامی*، سال ششم، شماره۲۲، صفحات ۱۵۹ - ۱۳۱.
- لطفی‌پور ساعدی، کاظم. (۱۳۷۹) «درآمدی بر سخن‌کاوی»، *مجله زبان شناسی*، سال نهم، شماره اول.

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.52547/pje.13.26.127]

- مولوی، جلال‌الدین محمد. (۱۳۷۹)، مثنوی معنوی، تصحیح رینو لد نیکلسون، تهران: موسسه نگاه.
- هجویری، ابوالحسن علی‌بن عثمان الجلابی. (۱۳۷۶)، *کشف‌المحجوب*، تصحیح و. ژکوفسکی، با مقدمه قاسم انصاری، تهران: طهوری.
- _____. (۱۳۹۳)، *کشف‌المحجوب*، به کوشش فریدون آسیایی عشقی زنجانی، قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی بیان.
- یول، جرج. (۱۳۸۳)، *کاربردشناسی زبان*، ترجمه محمد عموزاده مهدیرجی، منوچهر توانگر، تهران: سخن.
- Botha.j.e (1991). Speech act theory and new testament exegesis. HTS, 472.
- Maingueneau, D(1996) les terms de l`analyese du discours. Paris. Seuil.
- .Searle.I.R– .(1999) speech Acts:An essage in the philosophy of language,NewYork andMelborn: cambiridge university Press
- Crystal, D. (1985). Adictonary Linguistics and phonetics, Basil Blackwell Ltd, New York.
- Wodak, R. (2001). "The discourse-his torical approach", In methods of critical discourse analysis, (Ed.), by R. Wodak and m.merer, SAGE publications Ltd, London.

[Downloaded from erfanmag.ir on 2026-11-12]

[DOI: 10.52547/pje.13.26.127]